تاک

چگونه با کودکان درباره مرگ صحبت کنیم؟

زری آقاجانی*

● بیشتر والدین و بزرگسالان با این نوع از سؤال‌ها آشنا هستند: مامان بعد از مرگ چه اتفاقی می‌افتد، ما چطور می‌میریم و... . اینها سؤال‌هایی هستند که هر والد یا مربی در طول دوره تربیت حداقل یک‌بار با آن مواجهه می‌شود. مرگ برای بسیاری از کودکان موضوع مبهمی است؛ اما نترسید و سعی کنید از این فرصت‌ها، سؤال و کنجکاوی کودکان به نحو احسن استفاده کنید ولی مراقب سن و سال و درک کودک باشید. بیشتر کودکان پیش‌دبستانی پایه و اساس بیولوژیکی مرگ را درک نمی‌کنند و بر این باورند که مرگ حالت متفاوت زندگی مانند خواب طولانی‌مدت است. در این سن، کودکان اغلب می‌گویند فقط افراد پیر و بیمار می‌میرند. کودکان پیش‌دبستانی مرگ را موقت و برگشت‌پذیر می‌دانند؛ زیرا در داستان‌هایی که می‌خوانند یا تماشا می‌کنند، اغلب شخصیت‌ها پس از نابودی کامل ناگهان دوباره زنده می‌شوند. به‌طورمعمول در سنین چهار تا ۱۱ سالگی، کودکان به‌تدریج متوجه می‌شوند مرگ یک واقعیت اجتناب‌ناپذیر و غیرقابل‌برگشت است که منجر به متوقف‌شدن تمام مراحل جسمی و روحی می‌شود. ازآنجاکه شما والدین و مربیان در ارتباط تنگاتنگ با کودک هستید، توصیه می‌شود که کنجکاوی و سؤال کودک درباره مرگ را نادیده نگیرید یا سعی نکنید موضوع را تغییر دهید. با گوش‌دادن به آنچه کودکان درباره مرگ می‌پرسند و می‌گویند، شما می‌توانید احساسات و سطح درک آنها را ارزیابی کرده و با استفاده از جملات ساده پاسخ‌های مناسب دهید. برای مثال، برای کودکان خردسال بگویید وقتی کسی می‌میرد دیگر نفس نمی‌کشد، غذا نمی‌خورد یا احساس گرسنگی یا سرما نمی‌کند، مانند گل‌های پژمرده که دیگر رشد نمی‌کنند و شکوفه نمی‌دهند. هنگام گفت‌وگو درباره مرگ با کودکان، مراقب استفاده از کلمات باشید. بعضی از کودکان مرگ را با خواب اشتباه می‌گیرند. به کودک نگویید یک مرده در خواب است، آن‌وقت آنها به این باور می‌رسند که افراد مرده می‌توانند از خواب بیدار شوند. وقتی کودکان می‌شنوند که بیماری عامل مرگ است، برای جلوگیری از سردرگمی به آنان توضیح دهید که فقط بیماری بسیار جدی ممکن است منجر به مرگ شود، آنها نباید تصور کنند که بیماری‌های جزئی هم باعث مرگ می‌شوند. هنگامی‌که کودک مرگ را فقط با پیری مرتبط بداند، وقتی جوانان بمیرند، بسیار گیج می‌شود. با اطمینان به آنها بگویید اکثر مردم مدت‌زمانی طولانی زندگی می‌کنند اما بعضی‌ها این‌طور نیستند. لازم به ذکر است که دین و فرهنگ نیز نقش مهمی در شکل‌گیری باورهای کودکان نسبت به مرگ دارند. مذهب برای بسیاری از افراد در زمان غم و اندوه منبع قدرت و آرامش واقعی است؛ اما در سن پیش‌دبستانی‌ها هنوز استعاره و تعابیر مذهبی از مرگ درک نشده است، قبل از استفاده از عبارات معنوی اطمینان حاصل کنید که کودک شما آنها را می‌فهمد. اگر کودک شما در مراسم تشییع‌جنازه یا سوگواری شرکت می‌کند، از قبل به او توضیح دهید که این‌یک اتفاق بسیار غم‌انگیز است و برخی از مردم گریه می‌کنند و بسیار ناراحت می‌شوند.

* پژوهشگر مؤسسه مطالعات کودکی مدرس

گفت‌وگو با احمد مهرداد

معلمی با طعم شاعری برای دانش‌آموزان

عکس: زهرا علی هاشمی

از روزگار معلمی می‌گوید و اینکه اگرچه این شغل نان ندارد، اما تا بخواهی آب و آبرو دارد و همین می‌شود مطلع گفت‌وگوی من با احمد مهرداد، معلم شاعری که عاشق شعرگفتن برای دانش‌آموزانش است. گاه نام کوچک دانش‌آموز به نام مهدی و زهرا و سوفیا بهانه سرودنش می‌شود و گاه جمع دانش‌آموزانش؛ به قول خودش: «قبله من، دانش‌آموزان من - شاه‌بیت دفتر و دیوان من».

احمد مهرداد، دبیر ادبیات فارسی است، آرزو می‌کند هر مسئولی که قصد خدمت دارد، روزی به شغل معلمی مشغول شود. وی می‌گوید: ۴۰ سال به برکت حضور در میان دانش‌آموزان و ارتباط با جان و روح آنها احساس پیری ندارم و کتاب‌هایی تألیف کرده‌ام که همه بوی عاشقی می‌دهند. به قول خواجه حافظ: «مستحق بودم و اینها به زکاتم دادند». مدرسه بخشی از بهشت خداست و برای همه مسئولان آرزو می‌کنم یک روزی ارتقای مقام بگیرند و معلم شوند تا طعم بهشت را در کامشان بچشند. در آن صورت این دانش‌آموزان را حتی نسبت به خانواده خود در اولویت قرار خواهند داد. اکنون مدرسه‌های ما، مانند باغ‌های خزان‌زده شده‌اند و این خزان دلگیر و غم‌انگیز است. دانش‌آموزان ما بوی خدا می‌دهند، ولی متأسفانه چون بحث تربیت در جایگاه خود نیست، ناخواسته آن بوی خدایشان هم از بین می‌رود و این حیف است. خداوند قطعا برکات را از مدارس این‌گونه برمی‌دارد و محصولش می‌شود دانش‌آموزانی، دانش‌آموخته و بینش‌نیندوخته.

مهرداد با وجود اینکه در خانواده‌ای نسبتا متمول به دنیا آمده است، اما انتخاب شغل معلمی‌اش حکایت‌ها دارد و معتقد است معلم‌ها تنها کسانی هستند که تمول خود را با خود به آن دنیا می‌برند. او می‌گوید: اگر هدف از تمول صرفا اقتصادی و این دنیا مدنظر است، ما معلم‌ها هیچ نداریم، اما این دنیا ناپایدار است. آن مال باقی و جاودان که باید از آن نگهداری کرد، تعلیم و تربیت است. کنفسیوس درباره اهمیت تربیت نیروی انسانی معتقد است: «اگر برنامه‌ریزی یک‌ساله می‌کنید برنج بکارید و اگر برنامه‌ریزی ۱۰ساله دارید، درخت بکارید و اگر برنامه‌ریزی صدساله دارید، به تعلیم و تربیت بپردازید». پس مشخص است که معلم‌ها چه جامعه ثروتمندی هستند و چه رسالت سترگی را عهده‌دار شده‌اند.

معلمی نان ندارد، اما آبرو دارد

احمد مهرداد می‌گوید: من در قم بزرگ شدم و همه قبیله من ساکنان قم بودند؛ جامعه‌ای که تفاوت‌های معیاری مشخصی با جوامع دیگر داشته و دارد. مرحوم پدرم همیشه می‌گفت: «سعی کنید نان‌خور کسی نباشید و نان‌بده باشید» و البته شاید دعای مادرم باشد که ما برخلاف تفکرات پدرم معلم شدیم و نان‌خور دولت. بیشتر خانواده من، اعم از خواهر و برادرها معلم هستند. خلاصه روزگارمان به معلمی خورد و پدر نیز خوشحال بودند و می‌گفتند: «معلمی اگرچه نان ندارد، اما تا بخواهی آب و آبرو دارد».

امروز خدا را سپاس می‌گویم که در پاسخ این مجاهدت خانوادگی، آبروی ماندگاری در شعر و هنر و ادبیات عطا فرموده است و شعر و ادبیات و خوشنویسی در فضای خانوادگی ما موج می‌زند.

مهرداد راجع به کتاب‌هایش و اینکه اول شاعری را آغاز کرده یا نویسنده شده است، می‌گوید: شروع نوشتن از شعر یا نویسندگی، دو منبع خیزش متفاوت دارد. اگر شما برون‌گرا و متأثر از جامعه باشید، از نویسندگی آغاز می‌کنید و اگر متأثر از درونتان باشید شاعر می‌شوید. من مبدع غزل‌های سه‌بیتی هستم و این ساختار را که برخی معتقدند غزل باید حتما هشت بیت باشد به‌هم زده‌ام. غزل، باید غزل باشد. من از ۱۸ سالگی غزل سه‌بیتی گفته‌ام. از شعر شروع کردم. یک زمانی دیوان حافظ را حفظ بودم. درواقع وقتی شعر می‌خواندم زلف دلم را به زلف شاعرانی مانند حافظ، سعدی و فردوسی پیوند می‌زدم. آدمی اگر انتخابش را درست انجام ندهد مانند گیاهان یک‌ساله، نمی‌پاید. اما اگر درست انتخاب کند و همانند درخت پیچک (عَشَقِه) ستون بزرگی را انتخاب می‌کند، به آن می‌پیچد و بالا می‌رود. من از شعر شروع کردم و غزل گفتم. از شعرهای غِنایی و اجتماعی گرفته تا شعرهای آیینی. خودم احساس می‌کنم برای همین آفریده شده‌ام. در بهترین غزل‌هایم، خودم را در نظر نگرفته‌ام و برای دیگران گفته‌ام، زیرا من شاعر خودم نیستم، بلکه شاعر مردم هستم. در غزل‌های عاشقانه‌ام به‌وضوح رگه‌های تعلیم و تربیت دیده می‌شود و این از معلمی من سرچشمه گرفته است. کتاب «بسم‌الله‌نامه» را که در هزار سال شعر فارسی، نمونه ندارد سروده‌ام؛ یک کار هنری فاخر آمیخته از شعر با خط ثلث، نستعلیق و تذهیب که در قله ادبیات آیینی است، زیرا ذکر «بسم‌الله الرحمن الرحیم» است. همچنین کتاب‌های «هنر مشاعره»، «مشاعره قرآنی»، «خوشبختی در سایه‌سار نهج‌الفصاحه»، «شعر زندگی» و دیوان اشعار خودم که در دو دفتر آماده چاپ است.

کلاسی با حضور والدین در کنار فرزندان‌شان

او در کلاس‌های حافظ‌خوانی‌اش برای دانش‌آموزان روش جدیدی ابداع می‌کند و از اولیای دانش‌آموزان می‌خواهد در کلاس‌ها حاضر باشند. مهرداد می‌گوید: نگاه‌مان به مدرسه باید نوع دیگری باشد و این تفکر بسیار غلط است که در نظام آموزش‌وپرورش ما حاکم شده و اولیا فکر می‌کنند باید فرزندشان را صبح بگذارند در مدرسه و عصر تحویل بگیرند؛ درحالی‌که ما در کلاس‌های «ادبیات ارتباط و تعامل» و «حافظ‌خوانی» تمام سعی‌مان این بود که پدر و مادرها همراه دانش‌آموزان‌شان بیایند و در کلاس حضور داشته باشند. در این حالت، جدایی والدین از تحصیل و رشد فرزندشان از بین می‌رود و چه‌بسا پدر و مادرهایی که با حضور در این نوع کلاس‌ها با خودشان تأمل می‌کردند که ما برای فرزندان‌مان چه کرده‌ایم؟ و سهم ما در ناکامی‌های آینده ایشان چقدر است؟

مهرداد: نگاه‌مان به مدرسه باید نوع دیگری باشد و این تفکر بسیار غلط است که در نظام آموزش‌وپرورش ما حاکم شده و اولیا فکر می‌کنند باید فرزندشان را صبح بگذارند در مدرسه و عصر تحویل بگیرند؛ درحالی‌که ما در کلاس‌های «ادبیات ارتباط و تعامل» و «حافظ‌خوانی» تمام سعی‌مان این بود که پدر و مادرها همراه دانش‌آموزان‌شان بیایند و در کلاس حضور داشته باشند

مهرداد راجع به چرایی آموزش حافظ‌خوانی به دانش‌آموزانش می‌گوید: من در کلاس‌های حافظ‌خوانی برای دانش‌آموز به شرح تلمیح و مراعات‌نظیر و... نمی‌پردازم؛ بلکه آنها را با نگاه حافظ به زندگی آشنا می‌کنم. درواقع آنچه مهم است، این است که باید مخاطب خود را بشناسیم. ما تا به فرزندان‌مان عشق‌ورزیدن را نیاموزیم، نمی‌توانیم انتظار داشته باشیم عاشقانه نگاه کنند. اگر نگاه عاشقانه به زندگی را آموخته باشند، دیگر تفاوتی نمی‌کند که پزشک شود یا مهندس یا معلم. حافظ در شعرهایش به ما می‌آموزد اول دیگران را ببینیم و بعد به خودمان نگاه کنیم. اگر این ملکه ذهن‌مان شود، دیگر کسی با کسی دعوا ندارد و دراین‌صورت این جامعه واقعا جامعه توحیدی می‌شود و انسان ارزش واقعی خودش را می‌یابد و تکریم می‌شود. کتاب خداوند هم با سوره حمد آغاز می‌شود؛ یعنی به انسان می‌گوید: اول تو حرف بزن و باز آخرین سوره «ناس» است و باز برای مردم و انسان.

خدمت به معلم، فرصتی از سوی خداست

مهرداد خطاب به معلمان و همکارانش می‌گوید: من خادم معلم‌ها هستم و دست و قلم‌شان را می‌بوسم؛ اما بدانید اگر نان ندارید، شاید به این خاطر است که هنوز بزرگی شما نزد خداوند برای دیگران قابل درک نیست. اگر فرد و مسئولی توانست به معلمان خدمت کند، باید آن را از افتخارات دوران مسئولیتش یاد کند. درواقع مسئولانی که می‌توانند کاری برای معلمان انجام دهند، باید بدانند که این فرصتی است که خداوند برایشان فراهم کرده است؛ زیرا اگر به معلم رسیدگی کنند، در واقع به خدا رسیده‌اند. ما تنها صنفی هستیم که رئیس‌مان خداوند است و تا این اندازه معلم به خداوند نزدیک است. اوست که عشق و پرستش و ایثار و ایمان را می‌آموزاند.

مهرداد سخت‌ترین لحظه زندگی‌اش را زمانی توصیف می‌کند که به دلیل شرایط اقتصادی، ناگزیر به ژاپن می‌رود و به شغل کارگری مشغول می‌شود. می‌گوید: در ژاپن بنّایی می‌کردم و در یکی از روزها که کنار ساحل شهر «سندایی» نشسته و آتش روشن کرده بودم تا غروب خورشید را در آن سرمای استخوان‌سوز تماشا کنم، ناگهان تعدادی پلیس به سمت من آمدند. گفتند چه می‌کنی و من با زبان شکسته به ژاپنی به آنها فهماندم که شاعر و معلم هستم و در انتظار غروب خورشید نشسته‌ام. به محض اینکه متوجه شدند معلم هستم، بسیار به من احترام گذاشتند و گفتند بعد از تماشای غروب آفتاب مطمئنیم شما آتش را خاموش می‌کنید و رفتند. در همان لحظه که فشار غربت و فقر معیشتی و دوری از خانواده را تحمل می‌کردم، این غزل را گفتم:

«غم غریبی و تنگ غروب و تنهایی
کنار ساحل پربرف و سرد سندایی.
گزیده شاعر ایرانی‌ام که از غم نان
کشیده رخت خود از شاعری به بنایی.
خبر برید به فردوسی بزرگ از من
دریغ فرصت دانایی و توانایی».

احمد مهرداد از آرزوی مهمش می‌گوید: من آرزویم این است که روزی که دار فانی را وداع گفتم، در همان مدرسه‌ها دفن شوم. بالاخره ۴۰ سال جوانی‌ام را خرج کرده‌ام و بگذارند جوانان از روی سنگ مزارم عبور کنند تا همچنان در کنارشان شاد بمانم. همانند آنچه حضرت آیت‌الله مرعشی‌نجفی (ره) وصیت کردند و در ورودی کتابخانه‌شان دفن شدند تا اهل علم و دانش از روی سنگ مزارش عبور کنند.

نگاه

تکنولوژی پلی برای کاهش محرومیت در مدارس

مسعود کریمی . معلم

● نظام آموزش‌وپرورش ما، در شرایط فعلی، با ابزارهای تکنولوژی جدید در کنار سیاست‌گذاری‌های درست می‌تواند نقش بسزایی در کاهش محرومیت‌ها داشته باشد؛ به‌طورمثال فردی که امکان دسترسی به آزمایشگاه ندارد یا اینکه در سیستم‌های دولتی بدون حمایت‌های آموزشی قوی تحصیل می‌کند، در سطح عمومی مجموعه‌ای از ابزارهای تکنولوژی در اختیارش قرار می‌گیرد که آن محرومیت‌ها را تا حدودی جبران می‌کند. تغییرات تکنولوژی باعث شده یک نفر در طول مدت کوتاهی مجبور باشد مهارت‌های متفاوتی را تجربه کند و امکان ندارد با چنین ساختارهای سنتی موجود به این سطح برسیم. حال باید پرسید، برای رسیدن به این سطح موردنظر چه باید کرد؟ سه عنصر بسیار مهم در این زمینه عبارتند از: ۱- نهاد آموزش شامل مدرسه و فرایندها، ۲- معلم ۳- امکاناتی که در نظام آموزش‌وپرورش است. این سه عنصر باید به صورت مدرن و منصفانه در کشور در دسترس قرار بگیرد تا بتوانیم شاهد تغییر باشیم.

نکته‌ای که معلمان باید به آن توجه کنند این است که دانش‌آموزان را برای مهارت‌ها و امکاناتی آموزش دهند که برای آینده باشد، تا برای شرایط پیش‌رو و چیزهایی که خلق نشده، مهارت پیدا کنند. به نظر می‌رسد مدرسه آن واحدی است که باید تغییر کند. مدرسه باید تغییر کند تا آموزش تغییر کند. مادامی که مدرسه همان‌طور بماند، هیچ اتفاقی نمی‌افتد. در مدرسه نیز هرچه که باید تغییر کند، عامل تغییر، معلم است. چرا به معلم به‌عنوان عامل تغییر توجه نمی‌کنیم؟ همچنین در این مسیر نیازمند این هستیم که در

شیوه‌های آموزشی تفاوت دانش‌آموزان را ببینیم؛ آموزش برای انواع دانش‌آموزان با خلق‌وخوهای متفاوت، تدوین روابط معلم و شاگردی، امکان آموزش مستمر در طول زندگی و امکان استفاده از ابزارهای جدید که بتواند مهارت‌ها را به صورت تصویری به مخاطب منتقل کند. در میان همه این فعالیت‌ها، ارزش‌ها و اصول در هر جامعه، پایه و محور همه تصمیمات است. با رعایت این اصول به راحتی می‌توانیم سایر مهارت‌ها را در جامعه در اختیار قرار دهیم.

باید با یک سازوکار منظم و حرفه‌ای در مدارس با معلمان حرفه‌ای‌تر، تعلیم و تربیت هوشیار و امکانات شبکه‌ای گسترده، دانش‌آموزانی را آموزش دهیم که خودشان مهارت‌آفرینی کنند. در این شرایط درواقع تمام مراحل آموزش، اعم از ارائه درس، اجرای تمرین، تماس تیمی و گروهی، واکنش‌های دوجانبه و چندجانبه با امکانات تکنولوژی امکان‌پذیر است.

جدول ۳۴۷۴ ■ طراح: بیژن گورانی

افقی:

۱- پرنده بخت و اقبال- از نرم‌افزارهای پیام‌رسان تلفن همراه- فدراسیون جهانی بسکتبال ۲- امکان پذیر- پزشکی که دوره تخصصی را می‌گذراند- ناراست ۳- ضربه‌ای در بدمینتون- از اجزای پیراهن- کارآموز پزشکی ۴- دوتا نون- در بیان علت به کار می‌رود- پایان و آخر ۵- پایتخت ژاپن- گرمابه- در آن ... که بمیرم در آرزوی تو باشم ۶- اتومبیل آلمانی- کرم‌خورده- کامیون حمل مایعات ۷- به حد مطلوب نرسیده- هدایت‌کننده- ضمیر انگلیسی ۸- ماه پاییزی- رنگ نشانگر عشق- خدمتکار پیر ۹- خودم- ایالتی در آمریکا- ستایش شده ۱۰- زیبا و جذاب- چند وکیل- غرغر ۱۱- صفت سرو- سوراخ کردن- خاندان رسول اکرم(ص) ۱۲- شهری در ایالت واشنگتن- نتیجه گرفته‌شده- بله روسی ۱۳- درونه- آینده- سبز تیره ۱۴- N- با عجله رفتن- سراینده حدیقه‌الحقیقه ۱۵- سودمند- سنگی زینتی- از مصالح ساختمانی.

عمودی:

۱- اشاره به دور- مشهور- ساروج کنونی ۲- کارگردان فیلم قسم (در حال اکران)- همیشه رنگ ندارد ۳- کوچک‌ترین ذره عنصر- چند وزیر- صورت اسامی ۴- سوراخ سوراخ- پسر ملکشاه سلجوقی- از پیامبران الهی ۵- تپه کوچک- پسر مازندرانی- از ابزارهای شبکه جهانی اینترنت ۶- قاضی مسابقات- اندیشه و نیت انجام کاری- مرخصی ۷- نوعی از نژاد سگ- رواج‌دهنده- جبران کردن ۸- نبرد- یاران خاص حضرت عیسی (ع)- قوم مغول ۹- از آرایه‌های ادبی- دشنام‌گو- بهشت ۱۰- بالاآمدن آب دریا- فرزندانی که از یک پدر و مادر نیستند- آشیانه ۱۱- کامل‌نشده- تب انسان و حیوان- عددی مفرد ۱۲- آشوب- پشیمان- سرشته‌شده ۱۳- خودروی زرهی- استانی در سوریه- جوان ۱۴- دست‌نخورده- پژوهشگر تاریخ کشورمان و مؤلف کتاب امیر کبیر و ایران ۱۵- کالاها- هر یک از آپارتمان‌های یک ساختمان- رسم و سنت.

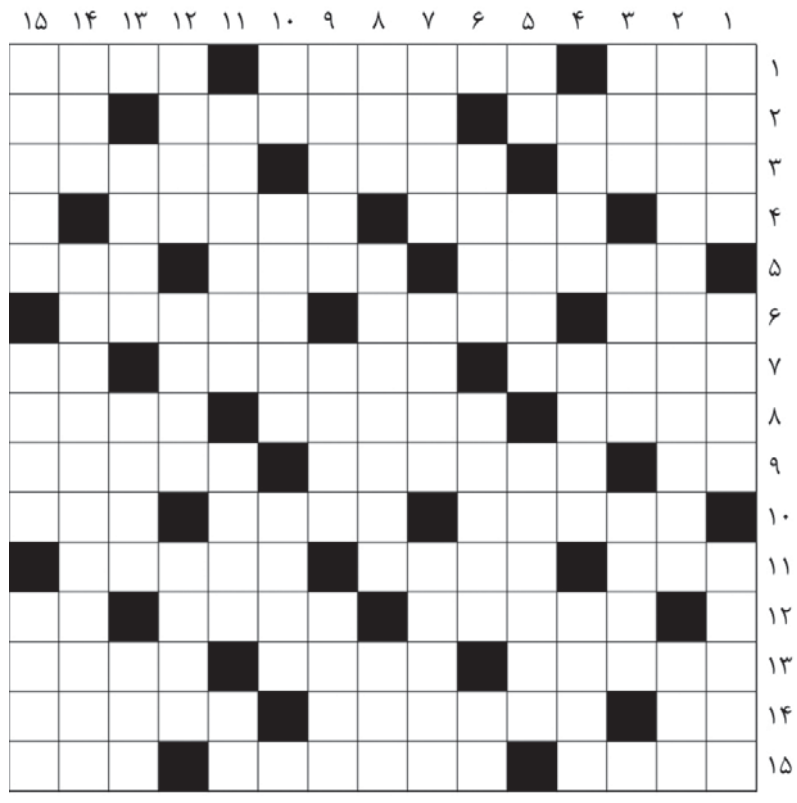

حل سودوکو سخت

۴	۲	۶	۷	۹	۳	۵	۱	۸
۷	۱	۵	۸	۲	۴	۳	۶	۹
۳	۹	۸	۵	۱	۶	۲	۷	۴
۸	۳	۱	۴	۷	۲	۹	۵	۶
۲	۴	۷	۶	۵	۹	۸	۳	۱
۶	۵	۹	۳	۸	۱	۴	۲	۷
۵	۷	۲	۱	۴	۸	۶	۹	۳
۹	۸	۳	۲	۶	۷	۱	۴	۵
۱	۶	۴	۹	۳	۵	۷	۸	۲

حل سودوکو ۲۴۶۹

۳	۲	۷	۴	۱	۹	۶	۵	۸
۹	۴	۶	۸	۵	۷	۳	۱	۲
۱	۵	۸	۲	۶	۳	۹	۷	۴
۲	۱	۳	۶	۴	۸	۵	۹	۷
۶	۸	۹	۷	۳	۵	۴	۲	۱
۵	۷	۴	۹	۲	۱	۸	۶	۳
۷	۹	۵	۱	۸	۴	۲	۳	۶
۸	۳	۲	۵	۷	۶	۱	۴	۹
۴	۶	۱	۳	۹	۲	۷	۸	۵

جدول ۳۴۷۳

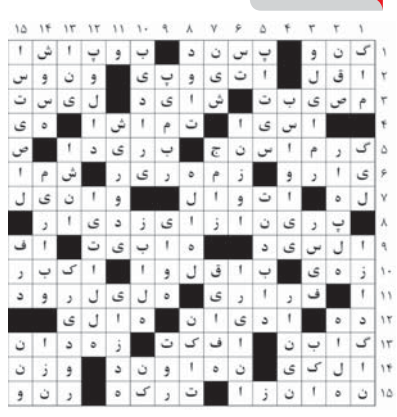

سودوکو سخت ۲۴۷۰

زمان پیشنهادی: ۴۰ دقیقه

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

				۸			۷	
	۸	۱	۳					۴
		۷	۶					۱
		۲		۴	۶	۳		
		۶				۷		
		۴	۹	۲		۵		
۶					۸	۴		
۱					۵	۹	۶	
	۵			۶				

سودوکو ساده ۲۴۷۰

زمان پیشنهادی: ۲۰ دقیقه

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

					۹		۱	۸
۹	۸	۵		۶			۲	
۶	۴	۱			۲			
۷						۸	۵	
				۳				
	۶	۹						۴
			۶			۲	۸	۳
	۱			۲		۷	۴	۵
۸	۲		۵					